آزادی بیان و آزمون سخت آن

تحریریهٔ پیشرو · 21 شهریور 1405

آزادی بیان را همه در سطح شعار می‌پذیرند. آزمون واقعی‌اش جای دیگری است: وقتی کسی حرفی می‌زند که ما آن را نادرست، زننده یا خطرناک می‌دانیم. اگر آزادی بیان فقط شامل حرف‌هایی باشد که اکثریت می‌پسندد، چیزی جز اجازهٔ تکرار مقبولات نیست و به هیچ حفاظتی نیاز ندارد.

چرا حق، نه لطف

تفاوت میان «حق» و «لطف» در این است که حق را نمی‌شود با تشخیص مصلحت پس گرفت. اگر آزادی بیان مشروط به تشخیص یک نهاد باشد که کدام سخن مفید است، آن‌وقت ما آزادی بیان نداریم؛ مجوز بیان داریم. و مجوز، طبق تعریف، قابل لغو است.

مرزها: جایی که بحث واقعی آغاز می‌شود

هیچ نظام حقوقی آزادی بیان را بی‌حد نمی‌داند. تهدید مستقیم به خشونت، افترای شخصی و افشای اطلاعاتی که جان کسی را به خطر می‌اندازد در بیشتر نظام‌ها محدود است. اما تفاوت بنیادی در این است که چه کسی و با چه سازوکاری این مرز را تعیین می‌کند: یک دادگاه مستقل با آیین روشن و امکان اعتراض، یا یک نهاد اداری که تصمیمش قابل بازبینی نیست.

بحث دربارهٔ مرزها لازم و مشروع است. بحث دربارهٔ اینکه چه کسی مرز را می‌کشد، تعیین‌کننده است.

سه پرسش برای سنجیدن هر پیشنهاد

آیا محدودیت در قانون با عبارت‌های مشخص نوشته شده یا با مفاهیم کشدار؟ آیا تصمیم قابل اعتراض در یک دادگاه مستقل است؟ و آیا همان محدودیت دربارهٔ منتقدان قدرت و طرفداران آن یکسان اعمال می‌شود؟

پاسخِ عملی به این سه پرسش، بیش از هر بیانیه‌ای نشان می‌دهد که با یک حق روبه‌رو هستیم یا با یک اجازه.